

# سالگرد انقلاب ثور

انقلاب ثور نه تنها نقطه عطفی تاریخی در حیات اجتماعی کشور کهن سال و پرافتخار شاه، بلکه یک پیروزی بزرگ در مجموعه جنبش انقلابی و ضد امپریالیستی خلقهای منطقه بشمار می رود.

از همین روست که امپریالیسم جهانی و ارتجاع منطقه به توطئه های گسترده و اقدامات تجاوزگرانه خود علیه افغانستان انقلابی پی وقفه ادامه می دهند.

سألهای پس از انقلاب برای مردم و انقلابیون افغانستان، سألهاى تحولات بنیادین اجتماعی و اقتصادی بقیه در ص ۵

## پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان به مناسبت

رفقای گرامی،

کمیته مرکزی حزب توده ایران بنام همه اعضا و هواداران خود و با پرشورترین دروهای انقلابی، همین سالگرد انقلاب ثور را به شاه، به تمام اعضای حزب و به مردم شریف و زحمتکش افغانستان تهنیت می گوید.

انقلاب ملی و دمکراتیک ثور، برخاسته از ضرورت های تکاملی جامعه افغانستان و نتیجه مبارزه فداکارانه و جسکتی ناپذیر توده های مردم زیر رهبری حزب دمکراتیک خلق افغانستان در راه آزادی، صلح و پیشرفت اجتماعی است.



شماره ۱۵۳ دوره هشتم  
سال سوم - شنبه ۱۳۶۶/۲/۱۵  
بها ۲۰ ریال

## توپ های ج.ا. به سوی کویت

جمهوری اسلامی توپهای خود را به ست کویت نیز نشانه می رود.

خامنه ای، رئیس جمهوری اسلامی، در مراسم نماز جمعه ۴ اردیبهشت گفت: "بنادر، کشتی ها و شهر کویت زیر آتش ماست و اهرمهای مابرای وارد آوردن فشار بیش از اینهاست."

تهدید کشورهای منطقه، از جمله و بویژه کویت، از چندی پیش آغاز شده بود، اما امروز از مرحله حرف به مرحله عمل نزدیک شده است.

بدینسان، در چارچوب مواضع توسعه طلبانه رژیم برای صدور "انقلاب اسلامی" خطر گسترش جنگ در سطح منطقه جدی تر از همیشه است.

خامنه ای اعلام کرد: "سیاست جمهوری اسلامی را در یک جمله خلاصه می کنم. امنیت برای همه یا ناامنی برای همه." بهانه رئیس جمهوری مرتجع ج.ا. از بیان این موضع غیر مسئولانه و ماجراجویانه، مسئله "وامی" حضور کشتی های شوروی در خلیج فارس برای حمایت از کشتیهای کویتی بود، در حالی که خود رژیم زمینه ساز، یا از زمینه سازان اصلی ایجاد ناامنی در منطقه است.

این اولین بار نیست که سران مرتجع ج.ا. برای جوسازی و ایجاد انحراف در افکار عمومی و رسیدن به آماجهای شوم خود، مواضع خصمانه شان علیه اتحاد شوروی را آشکار می سازند و بدون تردید آخرین بار هم نخواهد بود. رژیم می بیند که اتحاد شوروی بمثابة یک قدرت بزرگ جهانی بزرگترین بقیه در ص ۷

## "جوانان توده"

### در کنگره "کمسومول"

هیستمن کنگره "کمسومول" ("اتحادیه" سراسری لنینی جوانان کمونیست اتحاد شوروی) در روزهای ۱۹ - ۱۵ آوریل در مسکو برگزار شد.

در این کنگره بیش از پنج هزار نماینده ۴۲ میلیون عضو "کمسومول" و مهمانان خارجی از ۱۰۲ کشور جهان شرکت داشتند. نمایندگان "سازمان جوانان توده" ایران و "سازمان جوانان پیشگام ایران" نیز از جمله مهمانان خارجی بودند.

رفیق میخائیل گارباجوف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، در سخنرانی خود خطاب به نمایندگان کنگره گفت:

"حزب کمونیست و سراسر جامعه شوروی علاقمندند، که هیستمن کنگره "کمسومول" کنگره ای دوران ساز باشد و برگ نوی را در تاریخ جنبش جوانان شوروی بگشاید."

میخائیل گارباجوف بتفصیل درباره روند دگرگون سازی سخن گفت. وی آرزو کرد که شرکت جوانان در این روند نه تنها فعال بلکه همچنین آگاهانه باشد.

"رفیق گارباجوف خاطر نشان ساخت:

وظیفه ای که رویاروی ماست آنستکه همه مزایا و توانهای سوسیالیسم، زرادخانه مادی و معنوی و ذخیره های عظیم انقلابی آثر اهرامه جاکشف بقیه در ص ۷

## هدف آمریکا نفوذ در شئون

### سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی کشور ما است

در زد و بندهای پنهانی سران ج.ا. با امپریالیسم آمریکا، مسئله ای که بدان توجه کمتری شده، دادن اطلاعات جمع آوری شده توسط سازمانهای جاسوسی آمریکا به ایران و عراق است.

این یک نمونه استثنائی و منفرد نیست، بلکه بخش جدائی ناپذیر استراتژی و اشکنگن در قبال کشورهای "جهان سوم" و یکی از حربهای ممالک ایالات متحده آمریکا بشمار می رود.

دادن اطلاعات جاسوسی به برخی از کشورهای "جهان سوم"، مورد نظر امپریالیسم آمریکا، در واقع جز نوع جدید دخالت در امور داخلی این کشورها و کوشش برای ایجاد تصادمات نظامی میان آنها نبوده و نیست. مفسران خارجی بد رستی این عمل و اشکنگن را "تجاوز الکترونیکی" نام گذارده اند.

کاربرد دقیق سفینه های کیهانی در زمینه عکسبرداری از مؤسسات نظامی و استراتژیک و جابجائی نیروهای نظامی برای همه روشن است.

آنچه که کمتر جلب توجه کرده، مسئله جاسوسی رادیو - الکترونیکی است. این سیستم جاسوسی از طریق ضبط مکالمات آشکار روزمره تلفنی و رادیویی و غیره صورت می گیرد. کامپیوترهای مدرن کشف بقیه در ص ۲

## در صفحات بعد \* چرا وزارت کشاورزی در

- وزارت جهاد سازندگی ادغام می شود؟ در ص ۲
- \* کدام راه حل اسلامی اقتصاد؟ در ص ۴
- \* "فردوست شو"؟! در ص ۶

## گامی در راستای تحکیم صفوف "سازمان آزادیبخش فلسطین"

ره آورد اجلاس شش روزه "شورای امنیت ملی فلسطین"، که روزیکشنبه ۲۶ آوریل در الجزیره پایان یافت، تحکیم صفوف "سازمان آزادیبخش فلسطین" بود.

نمایندگان خلق فلسطین در این اجلاس توانستند پس از بحث های فراگیر و وحدت جویانه درباره استراتژی و تاکتیک خلق فلسطین علیه امپریالیسم و صهیونیسم به اختلافات خود در دوران گذشته پایان بخشند. بدینسان، بخش اعظم جنبش آزادی بخش فلسطین آمادگی بی چون و چرای خویش را برای مبارزه متحد در چارچوب "سازمان آزادی بخش فلسطین" نشان داد.

"شورای ملی فلسطین" هیئت اجرائی را انتخاب کرد، که نمایندگان شش سازمان - "الفتح"، "جبهه" دمکراتیک برای آزادی فلسطین، "شورای ملی فلسطین" نشان داد.

بقیه در ص ۷

## پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

## هدف آمریکان نفوذ در ۵۰۰

رمز را آن می‌سازد. بدینسان است که سازمانهای جاسوسی آمریکا می‌توانند به اسرار نظامی دست یابند. اطلاعات نظامی که ایالات متحده آمریکا در اختیار ایران و عراق قرار می‌داد، از این دست بودند. مجموعه اطلاعاتی که سازمانهای جاسوسی آمریکا در اختیار رژیم ج.ا.گ. گذارده‌اند، در مواردی کاملاً ناصحیح و در مواردی صحیح و یا منحرف کننده بوده است.

هدف واشنگتن از گذاردن اطلاعات نظامی در اختیار رژیمهای ایران و عراق چیست؟ اگرچه دولت آمریکا اعلام کرده بود که در جنگ بین ایران و عراق سیاست بیطرفی پیش گرفته است، اما افشای ماجرای "ایران - گیت" به جهانیان و به ویژه به مردم ایران و کشورهای منطقه خلیج فارس عملاً دروغین بودن این ادعا را به اثبات رساند. اکنون دیگر برای همگان روشن است که هدف امپریالیسم آمریکا جلوگیری از پایان یافتن جنگ فرسایشی میان دو کشور همسایه است. واشنگتن با تمام قوا می‌کوشد تا مانع پیروزی یکی از طرفین مخاصمه گردد. فروش تجهیزات نظامی و دادن اطلاعات نظامی به ایران و عراق نیز این هدف را تعقیب می‌کند. در واقع مردم ایران و عراق قربانی این سیاست امپریالیسم آمریکا هستند.

سأله است که سران مرتجع ج.ا.گ. در خفا با "سیا" سازمان جاسوسی ایالات متحده، همکاری نزدیک دارند. خبرهایی که ضمن افشای ماجرای "ایران - گیت" از جانب رسانه‌های گروهی ایالات متحده انتشار یافت، از جمله خبر مربوط به همکاری ارگانهای سرکوبگر رژیم با "سیا" در سازمان دادن یورش فاشیستی به حزب توده ایران، نشانگر آن است که این همکاری‌ها از سال ۱۹۸۲ آغاز شده است.

به نوشته مطبوعات آمریکائی، در سال ۱۹۸۲ "سیا" فهرست ۲۰۰ نفر از اعضای حزب توده ایران را به عنوان "جاسوسان شوروی" در اختیار رژیم خمینی گذارد. مردم ایران فراموش نکرده‌اند که در آن روزها شخص خمینی بدون ذره‌ای شرم همکاری با سازمان جاسوسی آمریکا را "معجزه الهی" نامید. امروز، پس از گذشت زمان و افشای روابط پنهانی رژیم با "سیا" معنی و مفهوم "معجزه الهی" نیز برای زحمتکشان کشور ما روشن می‌شود.

کینه حیوانی امپریالیسم آمریکا نسبت به حزب ما، مسئله جدیدی نیست. "سیا" سازمانده "ساواک" در ایران و مبتکر اصلی ایجاد بخش ویژه برای تعقیب حزب توده ایران در "ساواک" بود. مبتکر توطئه‌هایی که در دوران رژیم گذشته علیه حزب ما زمینه چینی می‌شد نیز مأموران "سیا" در ایران بودند. مگر نه این بود که در آن ایام هم اعضای حزب ما را به "اتهام عمال شوروی" بودن دستگیر، شکنجه، به زندانهای دراز مدت محکوم و یا اعدام می‌کردند؟

حزب توده ایران به عنوان پیگیرترین مبارز ضد امپریالیست، همیشه علیه نفوذ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی امپریالیسم

پیکار کرده است و درست بهمین دلیل پس از پیروزی انقلاب، مانند گذشته آماج اصلی توطئه‌های آشکار و پنهان "سیا" و همکاران ایرانی آن قرار گرفت.

دادن اطلاعات، از جمله اطلاعات سرهمبندی شده و جعلی درباره حزب توده ایران و نیز اطلاعات نظامی مربوط به اسرار نظامی ایران و عراق به رژیمهای هر دو کشور و نیز برخی دیگر از اطلاعات ناصحیح و دروغ، بار دیگر به مردم ایران و جهان نشان داد که امپریالیسم تجاوزگر آمریکا، در مبارزه علیه نهضت‌های رهاشی بخش و دامن زدن به جنگهای منطقه‌ای از هیچ شیوه ناپسندی خودداری نمی‌کند.

در ژانویه ۱۹۸۶، ریگان با صدور فرمانی هم به دادن اطلاعات و هم به فروش تجهیزات نظامی به ایران جنبه رسمی داد. رفسنجانی، مهره اصلی زد و بندهای پشت پرده با امپریالیسم آمریکا، پس از افشای ماجرای "ایران - گیت" فقط به دریافت یک فقره اطلاعات اعتراف کرد. او گفت که واشنگتن اطلاعات ناصحیحی درباره به اصطلاح تمرکز نیروهای مسلح اتحاد شوروی در مرز ایران به رژیم داده بود. رفسنجانی و دیگر سران مرتجع رژیم درباره سایر اطلاعات و به ویژه اطلاعات سرهمبندی شده و دروغ درباره حزب توده ایران که منجر به یورش فاشیستی به آن شد، مهر سکوت بر لب زده‌اند.

تردید نیست که همکاری ارگانهای سرکوبگر رژیم با "سیا" همچنان ادامه دارد، کماینکه ارتباط آشکار و پنهانی با امپریالیسم آمریکائی قطع نشده است. طبق خبرهای منتشر شده در رسانه‌های گروهی آمریکا، مأمورین عالیرتبه ج.ا.گ. هنوز هم در شهرهای مختلف اروپائی غربی و نیز در خود آمریکا با جاسوسان "سیا" در تماس نزدیک هستند.

چند روز پیش "صدای جمهوری اسلامی" خلاصه‌ای از مصاحبه رادیو-تلویزیونی رفسنجانی با خبرنگاران داخلی و خارجی را پخش کرد. وی در پاسخ به سؤال خبرنگار "واشنگتن پست" درباره روابط ایران و آمریکا بار دیگر در باغ سبز نشان داد و گفت: "ما اگر مطمئن شویم که آمریکا قصد شیطنت ندارد، حاضریم با آمریکا رابطه برقرار کنیم".

معلوم نیست منظور از "شیطنت" چیست؟ هدف امپریالیسم آمریکا رسوخ در شئون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی کشور ماست. واشنگتن از این هدف استراتژیک خود هیچگاه دست بر نخواهد داشت. روشن است که منظور رفسنجانی نیز از "شیطنت" این نیست. او، نمونه جالبی از "شیطنت" را ارائه می‌دهد و می‌گوید: "در همین دوره کوتاه نیز چند کار شیطنت آمیز انجام دادند که یک نمونه این بود که علیرغم میل و تنفر ما مخفیانه دست اسرائیل را در این جریان گذاشتند".

این اعتراف بسیار جالبی است. زیرا برای نخستین بار است که سران رژیم به معامله اسلحه با اسرائیل اعتراف می‌کنند. اینکه رفسنجانی می‌گوید "علیرغم میل و تنفر ما دست اسرائیل را در این جریان گذاشتند"، دروغ می‌گوید و سفسطه

می‌کند.

رفسنجانی و همدستانش از روز نخست با جاسوسان "موساد" - واسطه‌های فروش تجهیزات نظامی آمریکایی ج.ا.گ. در ارتباط مستقیم بودند. وانگهی آنها رفسنجانی و بارانش از اتحاد استراتژیک اسرائیل و آمریکا باخبر نبودند؟ سردمداران رژیم برخلاف گذشته، این اتحاد را زیر علامت سؤال نمی‌برند. در این مورد نیز سخنان رفسنجانی در مصاحبه یاد شده دارای اهمیت ویژه است. او می‌گوید: "در هر حال ایجاد روابط با آمریکا مشروط به دست برداشتن از شیطنت‌هاش است. اگر آمریکا بخواهد بی حد و حصر از اسرائیل حمایت کند، مشکل خواهد بود که بتواند با ایران رابطه داشته باشد".

به بیان دیگر رفسنجانی با تکیه روی "حمایت بی حد و حصر" آمریکا از اسرائیل، بی‌پرده به واشنگتن می‌گوید بهیچ وجه مخالف اتحاد استراتژیک آن با صهیونیست‌های اسرائیل نبوده و نیست و این امر نمی‌تواند مانع استقرار روابط میان امپریالیسم آمریکا و رژیم ج.ا.گ. گردد.

بهیچ وجه تصادفی نیست که دولت آمریکائی - پس از سالها - رسماً به کمپانی‌های آمریکائی اجازه معامله مستقیم با رژیم ج.ا.گ. را داده است. هم اکنون دو کمپانی آمریکائی تولید کننده ماشین آلات مورد نیاز صنایع نفت در تگزاس، برای فروش تجهیزات چاه زنی به ج.ا.گ. در تماس مستقیم با وزارت نفت هستند.

در ۱۱ آوریل ۱۹۷۸ مجله "میدل ایست" خبر داد که کمپانیهای آمریکائی تجهیزات کامپیوتری به ارزش ۶۰ میلیون دلار به ایران فروخته‌اند که از طریق بلژیک به پاکستان حمل و آنجا توسط هواپیماهای نظامی و غیر نظامی به ایران تحویل داده شده است. هم اکنون مذاکره بین ایران و آمریکا برای تحویل کامپیوتر بزرگی به ایران در جریان است. به نوشته مطبوعات آمریکائی این کامپیوتر می‌تواند مورد استفاده نظامی قرار گیرد.

چنین است فقط گوشه‌هایی از روابط پنهانی و آشکار سران ج.ا.گ. با امپریالیسم تجاوزگر آمریکا - دشمن شماره یک مردم میهن ما. رژیم می‌کوشد تا این روابط را از افکار عمومی پنهان دارد. باید با استفاده از کلیه وسائل این مانور سردمداران رژیم را فاش ساخت. تشدید مبارزه علیه امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، یک وظیفه میهنی است.

## تصحیح و پیوزش

در شماره پیش در ص ۴ مقاله ای با عنوان "پیش سوی طبقه کارگر" چاپ شد که عنوان اصلی آن "پیش سوی شکل طبقه کارگر" است و بدینوسیله تصحیح می‌شود. در صفحه ۲ دنباله مقاله کارگران پارس متال زیر عنوان اعلامیه خبرگزاری ... چاپ شده که نادرست است.

مورگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق‌های ایران و جهان!

## جراوزارت کشاورزی

### دروزارت جهاد سازندگی

#### ادغام می شود؟

اسفند ماه گذشته، دولت جمهوری اسلامی دست به عملی "انقلابی" زد و در یک نشست لایحه انحلال وزارت کشاورزی و ادغام آن در وزارت جهاد سازندگی را تصویب کرد و برای تصویب نهایی به مجلس فرستاد. روزنامه های مجاز کشور در سر مقالات خود "عمل انقلابی" دولت را ستودند.

آیا هدف رژیم از این اقدام، همانطور که ادعا می کند، تقلیل بوروکراسی و ادغام سازمانها و وزارتخانه هائی است که وظیفه و عملکرد مشابه دارند؟

آیا این اقدام به خروج از بن بست سیاست رژیم در زمینه کشاورزی، حل بحران کاهش تولید و افزایش واردات مواد غذایی، و پایان دادن به مسئله مهاجرت و آوارگی بیش از پیش روستائیان کمکی می کند؟

پاسخ به این سئوالات منفی است. واقعیت این است که رژیم مقاصد دیگری را تعقیب می کند. برای روشن شدن موضوع ابتدا نظری به چگونگی تأسیس جهاد سازندگی و سیر تکاملی آن می اندازیم و سپس هدف نهائی از این عمل باصطلاح "انقلابی" را بررسی می کنیم.

جهاد سازندگی در اوایل پیروزی انقلاب بوسیله نیروهای انقلابی و مردمی پایه گذاری شد و دست بکار کمک رسانی به روستاها گردید ولی با خیانت رهبران مرتجع ج.ا. به آماجای مردمی و ضد امپریالیستی انقلاب بهمین ۵۷ و حذف تدریجی نیروهای مردمی و جایگزین ساختن عناصر فرصت طلب، به آلت دست رژیم در روستاهای کشور مبدل گردید.

در شرایط فعلی دوشیدن روستائیان برای کمک به جبهه ها و بسیج فرزندان آنان برای تدارک هیمنه تنور جنگ و کمک به "حفظ امنیت" در روستاها از اهم وظایف جهاد است. این نهاد بیشتر از آن که به وظائف اصلی خود در امور مربوط به مسائل کشاورزی بپردازد، دست اندرکار آماده سازی میدانهای مین، ساختن سنگر و چنین وظائفی است.

زنگنه وزیر جهاد می گوید: "مهندسی رزمی سپاه بعده" جهاد است که کلیه عملیات آماده سازی قبل از عملیات و در حین عملیات برای فراهم ساختن امکان رزمی نیروهای رزمنده را انجام می دهد...

(اطلاعات ۲۴ خرداد ماه ۶۲)

سخنان رفسنجانی نیز ضمن تأیید واقعیت یاد شده، پرده از چپاول روستائیان، توسط جهاد بر می دارد: "جهاد سازندگی توانسته است بیش از پنجاه هزار سنگر بکند و طبق گفته برادر زنگنه وزیر جهاد، "جهاد" هفتاد کیلو طول نه "ما" داده و از آنجا که روستائیان طبقه فقیر هستند این کمک ارزنده را به جهاد داده اند."

(کیهان ۲۶ خرداد ماه ۶۲)

سران مرتجع ج.ا. با استفاده از اسانامه و شرح وظائف جهاد که به تصویب رسانده اند، اعتبارات عظیم این وزارتخانه را از رده محاسبات

عمومی خارج کرده اند و بدینسان راه سو استفاده را باز گذاشته اند.

اکثر اعتبارات عمرانی این وزارتخانه و اکثر وزارتخانه های دیگر به صورت غیر مستقیم از طریق جهاد در اختیار وزارت سپاه و عوامل نظامی و امنیتی قرار می گیرد. تبصره های بودجه سال ۶۴ و اصلاحیه بودجه سال مذکور که در اسفند ماه سال ۶۵ به تصویب رسید این ترفند رژیم را به نمایش می گذارد. بر اساس تبصره های ۹، ۴ و ۲۴ بودجه سال ۶۴ و اصلاحیه همان بودجه، مصوبه مجلس در اسفند ماه ۱۳۶۵، اعتبارات جهاد سازندگی از شمول قانون محاسبات عمومی خارج و اعتبارات عمرانی مصرف نشده سایر وزارتخانه ها در اختیار وزارت جهاد سازندگی قرار می گیرد تا به مصارف امور جنگی برسد.

(اطلاعات ۱۰ آذر ۱۳۶۲ و کیهان ۲۶ اسفند ۱۳۶۵)

طبق گزارش سینار "شوراهای اسلامی روستاهای ایران"، جهاد سازندگی توانسته است سی هزار "شورای اسلامی" در روستاهای ایران تشکیل دهد.

(اطلاعات آبان ماه ۱۳۶۲)

رژیم تلاش می ورزد تا این شوراها را هر چه بیشتر به آلت دست خود تبدیل سازد. در این چارچوب آیت اله مشکینی خط مشی "شوراهای اسلامی" را چنین ترسیم می کند:

"شوراهای روستائی باید هماهنگی کامل خود را با سایر نهادهای انقلابی و دوا بر دولت اسلامی بنحو احسن حفظ و با برادران جهاد سازندگی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ائمه جمعه همراهی نموده... با آنان در امور مشورت و هماهنگی کنند..."

(اطلاعات ۱۲ آبان ماه ۱۳۶۲)

موسوی، نخست وزیر رژیم نیز این شوراها را چنین معرفی می کند: "شوراهای اسلامی وسیله ای برای گسترش انقلاب اسلامی در روستاها و چشم و گوش نظام هستند..."

(اطلاعات ۱۴ دی ماه ۱۳۶۴)

جهاد با تشکیل سی هزار شورای اسلامی علاوه بر هدفهای اشاره شده وظیفه پر کردن صندوقهای رأی را نیز در موارد لازم بر عهده دارد. همچنین این نهاد با حمل و نقل جنازه قربانیان عملیات بی فرجام از جبهه به شهرها و روستاها لیست و وظائف خود را کامل می کند و "تابوت ساز" عملیات "پیروزمندانه" می شود!

همزمان با گسترش شبکه های جهاد سازندگی در روستاها، روز بروز فاصله بین دو وزارتخانه جهاد سازندگی و کشاورزی بیشتر و شکاف بین آنها عمیق تر شد. در پاره ای موارد اختلافات کارشناسان کشاورزی و عوامل جهاد سازندگی به درگیری هائی در سطح بالا انجامید.

واقعیت این است که علل بن بست کشاورزی ایران را در دو رژیم گذشته و حال نباید تنها در ساختار و سیستم اداری وزارت کشاورزی جستجو کرد. بلکه عوامل اصلی نابودی تولیدات کشاورزی در میهن ماحل شدن مسئله زمین، سیاست اقتصادی دو رژیم در زمینه کشاورزی و وابستگی اقتصادی آنها است. در حالیکه وابستگی اقتصادی به امپریالیسم حفظ و تعمیم می شود و غارت زمینداران و طبقه در ص ۵

## مرگ بر جنگ، مرگ بر جنگ

جنگ،

یعنی غربال گرد مرگ

بر سر انسان

جنگ،

یعنی بر نشاندن ناچی از آتش

بر تارک بود و نبود خلق

مرگ بر جنگ

مرگ بر جنگ

جنگ،

یعنی ریسمان خون

در بنای حجله گاه اشک

جنگ،

یعنی جراحی لبخند

از لبان ثور و سان سیه دامن

مرگ بر جنگ

مرگ بر جنگ

جنگ،

یعنی معبر سرقط از تک سکه های رنج انسانها

جنگ،

یعنی در نگاه هر گرسنه

ساق و شان خموش مرگ را

در خیمه گاه زندگی راندن

مرگ بر جنگ

مرگ بر جنگ

جنگ،

یعنی سرمه ای بر چشم سرد سرمایه

سرمه ای از مغز انسانها

جنگ،

یعنی سور معدن دارها

در کشف کان سرب

کان سوگ

مرگ بر جنگ

مرگ بر جنگ

جنگ،

یعنی غرق زورق زرین پیرامید

در اشکاب درد و دود

جنگ،

یعنی گهواره ها را گور کردن

چشم ها را گور کردن

قلب ها را دور کردن

ماه را بی نور کردن

مرگ بر جنگ

مرگ بر جنگ

## کدام راه حل "اسلامی اقتصاد...؟"

به اندازه ای است که به اعتراف صریح خود حاشری زاده وقتی وزارت کشور می خواهد استاندار خراسان را تعویض کند با مقاومت سرسخت حجت الاسلام واعظی روبرو می شود. وی که حاکم واقعی استان بزرگی چون خراسان است "اموال نفیس و عتیقه های گرانبهای" آستان قدس را در اختیار دارد و این در حالی است که به گفته حاشری زاده، "فقر اقتصادی و کشاورزی و بیکاری و مواد مخدر در جنوب خراسان پیدای می کند".

اعترافهای نماینده مجلس شورای اسلامی شاهد گویای نظری است که ما درباره ساختار قرون وسطائی حاکمیت ج.ا. مطرح کرده ایم. این ساختار عملکرد قوای مقننه، مجریه و قضائی را فلج می کند و زاینده تضاد در جامعه و اختلاف درهم حاکمیت بر سر قدرت است. چنین ساختاری محصول نظام "ولایت فقیه" است. نظام "ولایت فقیه" چنان حتی به شورای نگهبان منتخب یک فرد داده که علت وجودی نمایندگان مجلس شورای اسلامی "منتخب مردم" را نفی می کند. در واقع نیز رسالت مجلسی که عملاً حق قانونگزاری از آن سلب شده و بدون موافقت شورای نگهبان نمی تواند هیچ قانونی را تصویب کند چیست؟ به چه علت میلیاردها ریال در سال صرف هزینه آن می شود؟

نظام "ولایت فقیه" با سپردن حق تعیین "نمایندگان امام" و امام جمععه به یکفرد با اختیارات فوق العاده، علت وجودی استانداران و فرمانداران را نفی می کند. مشابه این نظر درباره دادگستری نیز صادق است.

بدینسان نهادهای قانونگزاری و اجرائی و قضائی فقط نقش رنگ و روغن کاری رژیم "ولایت فقیه" را به قصد "دمکراتیک" جلوه دادن نظام استبداد مذهب قرون وسطائی ایفا می کنند نه بیشتر.

منشأ بحران حاکم بر جامعه و نیز علت اصلی تقویت موضع اقتصادی-سیاسی کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان نیز در ارتباط مستقیم با این نظام است. کسانی که در گفته ها و نوشته های خود ضرورت از بین بردن فقر و حاکمیت سرمایه را مطرح می کنند، در این باره چگونه می اندیشند؟

حاشری زاده می گوید: "... باید مایه اصلی فساد، یعنی حاکمیت سرمایه ریشه کن شود. آن هم نه فقط با زور، بلکه با ابتکار و استفاده از روش نو و برنامہ اقتصادی و سیاسی عمومی خاص اسلام". وی از "علما" می خواهد تا طریق "حل مسائل اقتصاد جامعه" را ارائه دهند.

منتظری در سخنرانی ۲۵ فروردین ماه از "علما و دانشمندان" (بخوان روحانیون مرتجع حاکم) می خواهد به "تفاوت فاحشی که در جامعه دیده می شود که یک عده از سیری شکم و عده دیگر از گرسنگی در رنج می باشند، صحنه نگارند".

در هر دو مورد مخاطب کسانی هستند که پیستون نظام ج.ا. را تشکیل می دهند. "برنامه اقتصادی و سیاسی عمومی خاص اسلامی" تنظیم شده از جانب آنان چیزی جز نظام منحصر سرمایه داری نبوده و نیست. در این نظام یک عده "از سیری شکم و عده دیگر از گرسنگی" رنج خواهند برد.

تجربه بیش از هشت سال به مردم میهن ما نشان داده است که با "حل اسلامی اقتصاد و جامعه"

گونه توزیع که در بازارهایمان داریم و کالاها و مواد مورد نیاز مردم دهها دست می چرخد و با دلالی ها و واسطگی ها و شرکت ها و کرانی کمرشکن بر دوش اقشار محروم جامعه فشار می آورد، وضع بد درمان خصوصی نیز با این تجارت ها و واسطگی ها که سودهای چند میلیونی به عده ای کم می رساند و فشارهای خرد کننده به حقوق بگیران و کارگران و کارکنان کل بخشهای دولتی و غیر دولتی وارد می کند، آیا این دلالی ها و معاملات، اسلامی است؟". مخاطب حاشری زاده کیست؟ مگر خود او نمی داند که بنا به مثل معروف: مایه از سرکنده گرددنی زدم؟ مگر او نمی داند که فتوای غارت سرمایه داران از جانب "شخص اول" ج.ا. یعنی خود خمینی صادر شده است؟ مگر خمینی نیست که نظریه عمیقاً ارتجاعی سپردن کار مردم به "بازاریان محترم" را صادر کرد و دولت را از دخالت در امور بخش خصوصی بر حذر داشت؟

حاشری زاده می گوید: "۱- مجلس مسئول نظام تأمین و توزیع راوزارت بازرگانی تعیین کرد، ولی شورای نگهبان نپذیرفت، حتی هیأت وزیران را به عنوان مسئول نظام تأمین و توزیع نپذیرفت. پس مسئول نظام تأمین و توزیع کیست؟

۲- شورای نگهبان، طی نامه ۲۲۷۶ مورخ ۶۴/۲/۱۵ با اینکه طبقه بندی کالاهای اساسی، ضروری و عادی در اختیار دولت باشد، مخالفت بد.

۳- توزیع برخی کالاها را در انحصار دولت جایز ندانست.

۴- با تعیین دستگاههای مسئول توسط دولت موافقت ننمود.

۵- شورای نگهبان، با ایجاد واحدهای تأمین و توزیع به دست دولت موافقت ننمود.

۶- مجلس تصویب کرده بود که در توزیع بعضی کالاها، به تشخیص وزارت بازرگانی، حداکثر بیش از دو واسطه، یعنی عمده فروش و خرده فروش، بین تولید و مصرف نباشد و شورای نگهبان مخالفت نمود و در مجموع، برای این مخالفت ها، استدلالش این بود که "این موارد، کلاً در مسیر سلب اختیار از مردم و محدود کردن بی جهت آزادی شغلی افراد و دخالت آنها در امور کشور و دادن سرشته همه امور در نظام توزیع کالا، بدست دولت می باشد".

حاشری زاده با طرح این مسائل که به نوبه خود جالب است و مانیز بهمین سبب آنها را به تفصیل آوردیم و مقصر جلوه دادن فقط شورای نگهبان، نتایجی از حقیقت را بازگو کرده است.

مردم ایران می پرسند: شورای نگهبان که دارای چنین قدرت تعیین کننده ای است، منتخب چه کسی است؟ همه می دانند که اعضای شورای نگهبان را شخص خمینی تعیین می کند. حاشری زاده نمی تواند این حقیقت را از افکار عمومی پنهان دارد. خمینی و روحانیون مرتجع و از آنجمله اعضای شورای نگهبان مقصر اصلی اثبات ثروت بیگران در دست عده قبلی از کلان سرمایه داران و فقر مطلق اکثریت مردم کشور ما هستند. قدرت این گروه از روحانیون حاکم و همدستان بازاری آنها

مبارزه میان جناحهای گوناگون در حاکمیت به اشکال گوناگون ادامه دارد، گرچه در فاصله زمانهای معینی به علل و عوامل عدیده از شدت آن کاسته می شود. مثلاً، پس از افشای ماجرای "ایران-کیت" و تهدیدهای خمینی به قصد حمایت از گروهی که بدستور خود وی به زد و بند پشت پرده اقدام کرده بود، مبارزه بر سر قدرت برای مدتی فروکش کرد. اما، گسترش سریع ناراضی توده های مردم موجب آن گردید تا بار دیگر مبارزه جناحها شدت بگیرد. آنچه در این میان جلب توجه می کند شیوه هایی است که برخی از دست اندرکاران رژیم برای خاموش کردن شعله های خشم و نفرت فزاینده توده های محروم به آنها متوسل می شوند. در این زمینه اظهارات ابوالحسن حاشری زاده در مجلس شورای اسلامی جلب نظر می کند.

حاشری زاده مطابق معمول با استناد به قرآن و پیامبر مسئله "تسلط" سرمایه داران و "اشخاص قدر قدرتمند" را درج ۱. مطرح می کند و پس از تاکید بر اینکه "حاکمیت سرمایه، عامل همه بدبختی ها است" دست به دامن بهشتی می شود و از جزوه "مواضع ما" چنین نقل قول می کند: "مسئله اصلی که درج ۱. باید روی آن قاطعیت به خرج داده شود، جلوگیری قاطع از حاکمیت سرمایه بر روابط اجتماعی و از بین بردن همه زمینه های اجتماعی و اقتصادی استثمار و بهره کشی صاحبان سرمایه از صاحبان نیروی کار است".

موضوع این نقل قول از جزوه "مواضع ما" مسئله جدیدی نیست. نیروهای مترقی شرکت کننده در انقلاب و از جمله توده های میلیونی زحمتکش در دوران اوج نهضت انقلابی مخالفت صریح خود را با حاکمیت سرمایه و سرمایه داران اعلام کردند. آنچه در جزوه "مواضع ما" آمده چیزی جز بازتاب این خواست زحمتکش و بویژه کارگران نبوده و نیست. بموقع خود برخی از گردانندگان اصلی اهرمهای اداری کشور در گفته ها و نوشته های خود این آماج عمده انقلاب را منعکس ساختند. اما، وقتی در مقابل فشار توده های میلیونی زحمتکش درباره ضرورت تداوم انقلاب قرار گرفتند، بنا به ماهیت طبقاتی خود از مواضعی که اعلام کرده بودند عدول کردند و بانام قوارا راه را برای حاکمیت سرمایه و سرمایه دار هموار ساختند. اکنون کار بجای رسیده که حاشری زاده می گوید افرادی حتی از انتشار کتاب "اقتصاد" مطهری "بعد از چاپ آن" جلوگیری می کنند.

در اینکه پس از گذشت بیش از ۸ سال از انقلاب آماجهای مردمی آن لگدمال شده و سرمایه حاکمیت می کند، جای تردیدی نیست. مادر این باره مستند سخن گفته ایم و اعتراف حاشری زاده صحت ارزیابی ما را تأیید می کند. مسئله مهم آن است که چه کسانی زمینه را برای پیشبرد این سیاست آماده کرده اند و چگونه باید با آنها مبارزه کرد؟

حاشری زاده می گوید، پس از گذشت ۸ سال "هنوز به راحتی حاکمیت سرمایه بر بسیاری از روابط تجاری و بازر و کالاها و خدمات و میدانیهای بار و کالا، انقلاب اسلامی، تهدید می کند... این

## پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب ...

کنون از هیچ توطئه‌ای علیه افغانستان انقلابی و مشی مصالحه‌مندی فروگذار نکرده‌اند. مواضع خصانه جمهوری اسلامی ایران علیه انقلاب افغانستان ناشی از سیاست ضد مردمی رژیم، یعنی خیانت به آرمانهای انقلاب بهمین و احیای منافع امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا در ایران است.

رژیم "ولایت فقیه" بدنبال سیاست داخلی خود، یعنی ادامه "لجوجانه" جنگ ایران و عراق، حمایت از سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ و غارتگران وابسته به امپریالیسم، پایمال کردن حقوق و آزادیهای دموکراتیک، سرکوب خشن و جنایتکارانه، جنبش توده‌ای ضد رژیم و یورش وحشیانه به نیروهای انقلابی و مترقی، در سیاست خارجی خود نیز با تحولات انقلابی دموکراتیک در منطقه، از جمله افغانستان انقلابی، سرستیز دارد. بهمین دلیل مانع بازگشت مهاجرین افغانی به وطن خود می‌شود، آزارها به جبهه "جنگ ایران و عراق" می‌فرستد، باند‌های ضد انقلابی را تجهیز و حمایت می‌کند و تبلیغات وسیع ضد انقلابی راه می‌اندازد.

اما علیرغم این توطئه‌ها، مدت‌هاست که چهره واقعی رژیم جمهوری اسلامی ایران نزد خلقهای آگاه و زحمتکش منطقه افشا گردیده و صفوف آنها را در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع یکپارچه‌تر ساخته است.

مردم و نیروهای انقلابی، مترقی میهن ما که در راه سرنگونی رژیم "ولایت فقیه" و استقرار صلح، آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی می‌رزمند، انقلاب افغانستان را همواره سترگ مهمی علیه امپریالیسم و ارتجاع در منطقه می‌دانند و از موجودیت و دستاوردهای آن قاطعانه حمایت می‌کنند.

رفقای ارجمند،

ما اطمینان کامل داریم که خلق برادر افغان، تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان بر موانع و دشواریهای این مرحله نیز فائق خواهند آمد و انقلاب بازگشت‌ناپذیر ثور بسوی تحقق آماجهای انقلابی و مردمی خود همچنان به پیش خواهد تاخت. یاریهای بیدریغ انترناسیونالیستی اردوگاه جهانی انقلاب و در رأس آن اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی و همه نیروهای انقلابی و مترقی جهان همواره در این راه حامی و پشتیبان انقلاب ثور خواهد بود.

فرخنده باد نهیمن سالگرد انقلاب ثور!

هر چه گسترده‌تر باد دوستی و برادری خلقهای

ایران و افغانستان!

مسلحکم باد پهبوند انترناسیونالیستی حزب توده

ایران و حزب دموکراتیک خلق افغانستان!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

دبیر اول: علی خاوری

۶ اردیبهشت ۱۳۶۶



و سالهای تجربه‌اندوزی‌های و مبارزه علیه دشمنان انقلاب بوده است. اقدامات وسیع و دموکراتیک بسود کارگران، دهقانان، روشنفکران مردمی، کارمندان، کسبه و پیشه‌وران، پرسنل میهن‌دوست نیروهای مسلح و سایر اقشار زحمتکش و همچنین رفع ستم ملی در جامعه، از دستاوردهای غرور آفرین انقلاب ثور و ضامن تحکیم صفوف خلق در حمایت از انقلاب محسوب می‌شود.

اکنون در میهن شما نهیمن سالگرد انقلاب ثور در شرایط استقرار سیاست مصالحه ملی جشن گرفته می‌شود، سیاستی اصلی که هدف آن جذب همه اقشار و طبقات و نیروهای اجتماعی ذینفع در انقلاب ملی و دموکراتیک و خنثی کردن توطئه "جنگ افروزی و تجاوزگری امپریالیسم و ارتجاع" است. این سیاست صلح‌جویانه خواست توده‌های میلیونی مردم و منطق با نیازهای مرحله کنونی و در عین حال نمایانگر رشد و تعمیق انقلاب و توانائی آن در برخورد با بغرنجی‌ها و دشواریهای تحولات اجتماعی میهن شاست.

استقبال و حمایت همه جانبه مردم از سیاست مصالحه ملی و تسریع روند بازگشت مهاجرین به میهن انقلابی از یکسو و توطئه‌های فزاینده دشمنان انقلاب علیه ابتکارات صلح‌جویانه "حزب و دولت انقلابی افغانستان از سوی دیگر، دلیل بر حقانیت این سیاست اصولی است.

اقدامات اخیر امپریالیسم در تقویت بازهم بیشتر ضدانقلاب افغان از جمله تحویل صدها موشک "استینگر" جدید و تشدید عملیات تخریبی در داخل افغانستان با دفاع یکپارچه مردم از انقلاب و مشی آشتی ملی مواجه گشته و بار دیگر شکستی مفتضحانه را نصیب آمریکای جنایتکار و عمالش ساخته است.

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ایران و حکومت دست‌نشانده "ضیا الحق" در پاکستان، تا

در جریان جنگ، تقریباً بیشتر امکانات و وسائل نقلیه وزارت کشاورزی به جبهه‌ها فرستاده شد. حتی اتومبیل‌های سردخانه‌دار که وسیله حمل و نقل واکسن و داروهای دامی به دورافتاده‌ترین نقاط کشور بود توسط جهاد سازندگی بمنظور حمل و نقل اجساد کشته‌شدگان جنگ مورد استفاده قرار گرفت. وزارت جهاد سازندگی همیشه چشم طمع به بلعیدن تمامی اعتبارات و امکانات وسیع وزارت کشاورزی - که شاید بعد از ارتش و آموزش و پرورش بالاترین رقم اعتباری را در بودجه‌های عمرانی و جاری دولت بخرد اختصاص می‌داد - داشت. در همین چارچوب زمینه ادغام این دو وزارتخانه فراهم آمد.

باید بیش از پیش این مسئله را بین مردم برد که گشودن گره "کور معضل رکود تولیدات کشاورزی در ایران نه از طریق تأسیس یا انحلال نهادها و وزارتخانه‌ها، بلکه تنها از طریق قطع وابستگی اقتصادی و اجرای برنامه‌های اصولی منطق بر شرایط اقلیمی ایران و منافع توده‌ها انجام‌پذیر است.

نمی‌توان مشکلات عظیم موجود را از بین برد. زیرا چنین راه حلی وجود خارجی نداشته و ندارد. بنابراین یگانه راه - اعمال زور است.

منتظری در سخنرانی یادشده مسئله را از زاویه دیگری مطرح می‌کند. او می‌گوید: "اگر کسانی بر ذخائر و امکانات مسلمین مسلط شده ... و در نتیجه مردم در وضع بد ناراحت کننده‌ای باشند، خود مردم باید قیام کنند. اینگونه نیست که جبرئیل امین بیاید و برای آنها بجنگد و نجاتشان دهند"، اما بلافاصله می‌افزاید، "حال اگر ما بخوایم مستضعفین به حقوق خود برسند ابتدا باید آنها را به استضعافشان آگاه کنیم و مردم بفهمند که مستضعف هستند و آنگاه شخصیت خود را" باز یابند.

نه، آقای منتظری! توده‌های میلیونی مردم که دچار فقر و محرومیت بیسابقه‌ای هستند به "استضعاف" خود کاملاً آگاهند و مقصرین اصلی آن را نیز می‌شناسند. آنان نیازی به "روشنگری" از سوی عاملین بدبختی خود برای بازیابی شخصیت خویش ندارند. آنانکه شما و دستیارانتان شخصیتشان را زیر علامت سؤال می‌برید، همان کسانی هستند که انقلاب بهمین ۵۷ را به پیروزی رساندند و شمار ابراریکه "حاکمیت نشانند". همین مردم بخوبی می‌دانند که فقط با زور و قیام، آنها نه علیه این یا آن جناح، بلکه علیه مجموعه "نظام ج.ا." خواهند توانست به آزادی و استقلال و عدالت واقعی اجتماعی و صلح نائل آیند. جامعه ما به بشکه "باروتی تبدیل شده که دیرباز دمنفجر خواهد شد. این یک حقیقت انکارناپذیر است. هیچ نیروئی قادر به جلوگیری از حرکت تاریخ به پیش نخواهد شد. نظام ج.ا. سد راه این حرکت است. قیام خلق این سد را در هم خواهد شکست. در این باره کوچکترین تردیدی نیست.

## جراوزارت کشاورزی در ...

سرمایه‌داران بزرگ از جمله در بخش کشاورزی روز بروز بیشتر گسترش می‌یابد، نمیتوان با جابجائی نهادها و انحلال ادارات ماهیت اقتصاد وابسته را تغییر داد. علم ستیزی و مقابله با تخصص را می‌توان از جمله دیگر علل انحلال وزارت کشاورزی ذکر کرد.

بسیاری از کارشناسان و متخصصان در رشته‌های علمی و تحقیقاتی و کارشناسان دلسوز و میهن‌دوستی که علیرغم مشی غلط رژیم بکار تحقیقی و علمی خود بر بستر اعتقادات شخصی و بدور از جریانات سیاسی ادامه می‌دادند، مرکز حاضر به قبول و پذیرش اقتدار عوامل ارتجاعی جهاد سازندگی نبودند. این درگیریها در بسیاری موارد به کناره‌گیری و بازنشستگی زودرس متخصصان و با جذب آنها به بخش خصوصی منجر گردید.

سازمانهای ریشه‌دار و قدیمی، بانیاد علمی و تحقیقی، نظیر مؤسسه "سرم سازی رازی حصارک"، انستیتو بررسی آفات نباتی، مؤسسه تحقیقاتی خاک‌شناسی، مؤسسه فنی اصلاح و تهیه نهال و بذر که عموماً در برگیرنده این قبیل متخصصان بودند، مرکز حاضر به تبعیت از روش و سیاست ضد علمی و بظاهر انقلابی عوامل "جهادگر" نشدند.

## "فردوست شو"؟!

سرانجام، پس از گذشت سالیانی که از پیوستن حسین فردوست به "انقلاب و جمهوری اسلامی" می‌گذرد، او برای ایفای نقشی تازه بر صفحه\* تلویزیون جمهوری اسلامی ظاهر شد. فردوست، یکی از شاه‌مهره‌های رژیم محمدرضا و از مزدوران سرسپرده\* سازمانهای جاسوسی امپریالیستی یا بنوشته\* روزنامه\* "جمهوری اسلامی" یکی از اصلی‌ترین عناصر سیاست‌گذاری داخلی و از مهره‌های اصلی طرح‌های بیگانگان، "مظهر خیانت و خود فروختگی" و "سبیل فساد مجسم" (ج. ۱/۱۵/۶۶) و با به گفته\* موسوی فردی "که سهم زیاد و تعیین کننده‌ای در سرنوشت رژیم شاه داشته" در حضور محترمانه و شکنجه‌نندیده\* خود، به بازگویی خاطره‌وار مطالبی درباره\* فضای حاکم بر دربار پهلوی، آنهم آمیخته به زهر شوروی ستیزی پرداخت.

ببینند\* این شوی تلویزیونی (با خواننده\* سخنان او در روزنامه‌های مجاز) در پایان اولین قسمت از سریال "فردوست شو"، نه بایکی از بنیانیان رژیم سراپا جنایت، خیانت و وابستگی، نه بایکی از پایه‌گذاران ساواک، سازمان دوزخی‌ای که آزادی خلقی را به بند کشیده بود و هر خروش و اعتراض مردم را با شکنجه و شلاق و با دستبند و زندان پاسخ می‌گفت و هر روز بهترین فرزندان میهن‌دوست و ضد امپریالیست این آب و خاک را به میدانهای تیرباران راهی می‌ساخت، نه بایکی از سازمانگران وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی، بلکه با موجودی "بی‌گناه" و "معصوم" روبرو می‌گردد که بخاطر "استعداد"ش - به علت اینکه درسهای (او) در رده\* خیلی خوب بود - دبیروزبه نزدیک‌ترین یار غار، رازنیوش و همپاله\* دژخیم خونخواری بنام محمدرضا شاه تبدیل شده بود و امروز به همکاسه\* سران مرتجع جمهوری اسلامی، و هر عملی که از او سرزده، نه به فرمایش خواست و اراده و نه از روی آگاهی و منافع طبقاتی، بلکه همه زائیده\* "تحمیل ناخواسته\*" برنامه‌ریزان رژیم شاه و اربابان امپریالیستی‌اش بوده است. در این نمایش مسخره و استثنایی، فردوست، این "سبیل فساد مجسم"، از خود تندیس قهرمان مبارزه با فساد دربار را می‌تراشد. در این راه تا آنجا به پیش می‌تازد که چه بسا در مصاحبه‌های بعدی از مردم ایران چیزی هم طلبکار خواهد شد و پیروزی انقلاب بهمین را نیز مردم باید مدیون "مبارزات و ایثارگریهای" ایشان در دربار بدانند.

حال یکی از مهمترین پرسش‌هایی که در برابر شنونده یا خواننده\* سخنان فردوست قرار می‌گیرد اینست که رژیم پاچه‌هدفی پس از گذشت سالها از همکاری پشت پرده\* فردوست با سازمانهای اطلاعاتی و جاسوسی رژیم، امروز او را برای ایفای نقشی تازه به صحنه می‌آورد؟ موسوی، نخست‌وزیر، ناخواسته به این پرسش پاسخ می‌دهد: "اطلاعات این شخص ... در روش کردن ریشه\* ناپسامانیهای اجتماعی و اقتصادی ما بسیار مفید است و در این مورد وزارت اطلاعات موافق شده است که اطلاعات لازم را کسب نموده و در اختیار مردم بگذارند" (اطلاعات ۱/۱۷/۶۶).

در واقع رژیم با استفاده از شوهای فردوست، تلاش می‌ورزد که توجه افکار عمومی توده‌های مردم را از بحران ژرف اقتصادی - اجتماعی موجود منحرف سازد و همه\* ناتوانیها، بی‌لیاقتی‌ها، سیاهکاریها، فساد آفرینی‌ها، دزدیها و رشوه‌خواریها، ندراریها و تیره‌روزی‌ها، جنایت‌ها و خیانت‌ها و وابستگی‌های امروزی را یک قلم بحساب رژیم سراپا وابسته\* سابق بگذارد و در حقیقت آب تپه‌بر سر خود بریزد. اما رژیم کور خوانده است. مردم ایران که بعد از گذشت هشت سال از پیروزی انقلاب همچنان شاهد بر باد رفتن استقلال و آزادی کشور و فقر مطلق اکثریت اهالی جامعه هستند، آگاهند و می‌دانند که بیان جنبه‌های گوناگون وابستگی و فساد رژیم شاه سند تبرئه‌ای بدست رژیم جمهوری اسلامی نمی‌دهد.

مشخص صحبت کنیم، مثلاً مردم با شنیدن این سخنان از زبان فردوست که "در بازرسی برای من خیلی چیزها پیش از جاهای دیگر کشف شد. مثلاً در "قیر" و "کازرین" از عشایر فارس زلزله\* شدیدی آمده بود و نمی‌دانم که خانه‌های کاه‌گلی در ورستا چقدر هزینه دارد که صد میلیون تومان جمع کردند و بعد از دو یا سه سال من بازرسی به محل اعزام کردم که گفتند حتی یک آجر در محل خالی نشده است، حتی یک آجر. حالا بقیه‌اش را شما بخوانید. بعنوان نمونه نیامدن یک کامیون آجر خالی کنند که اقلاً بگویند یک کاری شده. تخیر حتی این کار را هم نکردند، خیلی روشن از اینها بیشتر بوده است." یعنی شنیدن یا خواندن چشمه‌ای از مفاسد رژیم شاه هرگز به نتیجه نمی‌رسند که اولاً باید از کلاهبرداریهای بزرگ رژیم خمینی و خود شخص خمینی چشم‌پوشش و برای نمونه مبالغ هنگفتی که مردم صادقانه برای دریافت خانه به "حساب" امام" ریختند و سران مرتجع رژیم آنرا بالا کشیدند و هیچ "متضعفی" صاحب خانه نشد را ندیده بگیرند. ثانیاً، هرگز به این نتیجه نیز نمی‌رسند که فردوست تافته\* جدا بافته‌ای است.

افزون بر آن، مردم می‌خواهند بدانند چه بر سر ۲۷۵۰ پرونده\* مورد اشاره\* فردوست، مربوط به کسانی که ۱۰۰ میلیون تومان بیشتر چپاول کرده‌اند و "در بازرسی شاهنشاهی موجود" بوده، آمده است. مردم ایران نه تنها داغ ننگ و نفرت بر پیشانی صاحبان ۲۷۵۰ پرونده و رژیم فسادپرور شاه، بلکه بر پیشانی مسکوت‌گذارندگان و احیاناً نابود کنندگان این پرونده‌ها یعنی سران و افسرهای جمهوری اسلامی نیز می‌کوبند و چنین اشخاصی فردا باید در پیشگاه خلق پاسخگو باشند.

نخست وزیر بمردم "نوید" می‌دهد که بخاطر در اختیار قرار دادن "اطلاعات فردوست" برای "شناخت بهتر تاریخ ۶۰ سال گذشته\* ایران" در آینده "بصورت منظم هر هفته یکی دو ساعت" مردم می‌توانند "فردوست شو" را تماشا کنند و در واقع حتی اگر بنوشته\* روزنامه\* جمهوری هم بسنده کنیم مردم از این پس باید شاهد "برخوردهای عاطفی و تکریم و تعظیم‌های بیجا و غیر قابل توجیه" باشند و ببینند که "اصلی‌ترین عنصر فاسد و خیانت‌پیشه\* رژیم منفور پهلوی بعنوان "جناب" مورد خطاب قرار گیرد و از جانب ایشان درخواست شود که بیک سؤال دیگر هم پاسخ مرحمت بفرمایند!" (۶۶/۱/۱۵).

در این ارتباط به نخست‌وزیر و دیگر

"خدمتگزاران" رژیم مدافع کلان سرمایه‌داران و بزرگ زمینداران باید گفت که مردم نمی‌خواهند شاهد سرهم‌بندی برنامه‌هایی برای آنکه غلامان خانه‌زاد رژیم سراپا ستم شاه به توجیه سیاهکاریهای خود بپردازند، باشند. مردم می‌خواهند با جنایتها و خیانتهای امثال فردوست‌ها در دوران شاه و بویژه حقایقی پیرامون بیش از ۵۰ ساله همکاری فردوست با سازمانهای اطلاعاتی و جاسوسی جمهوری اسلامی آشنا شوند. مردم وقتی می‌بینند دستگیری محمد شادمانی - شکنجه‌گر فراری ساواک - بلافاصله در همان روز اعلام می‌شود، می‌خواهند بدانند چرا و به چه علت نام فردوست، یکی از بنیانگذاران اصلی ساواک - که مردم در سال ۶۱ در پی افشاکاری حزب ما شده‌اند - تازه امروز، یعنی بعد از سالها مسکوت ماندن، در رسانه‌های گروهی اعلام می‌شود؟ مردم می‌خواهند از نقش فردوست در سازماندهی بخش ضد کمونیستی "ساواجا" و سپس سازمان اطلاعات و همچنین از پرونده‌سازیهای او با همبازی سازمانهای جاسوسی امپریالیستی و دولتمردان مرتجع ج.ا. علیه حزب توده\* ایران و دیگر سازمانهای مترقی و انقلابی آگاه شوند و بدانند در حالی که بهترین فرزندان خلق، یعنی مدافعان پرشور محرومان و زحمتکشان و مبارزان آشتی‌ناپذیر ضد امپریالیست، با شرکت در "دادگاه"های سرپایی چند دقیقه‌ای به زندانهای دراز مدت یا به اعدام محکوم می‌شوند، چرا پس از گذشت سالها، تازه "جناب" فردوست با "تعظیم و تکریم و برخوردهای عاطفی - احساسی" برای توجیه یک عمر خیانت، وظیفه\* اجرای شوهای هفتگی را بعهده می‌گیرد؟ شایان ذکر است که این پرسش در چنان ابعاد وسیعی در جامعه مطرح است که یکی از نمایندگان مجلس نیز با من و من آنرا در مجلس مطرح می‌کند: "چرا شورای محترم عالی قضائی، "فردوست" را که ساخته و پرداخته\* استعمار انگلیس بوده و دودشادش مقبور در همه\* خیانتها و جنایتها شرکت داشته، محاکمه نکرده و به مجازات نرسانده است؟" (اطلاعات ۱/۲۴/۶۶).

در پایان باید گفت دست رژیم در برپایی سریال "فردوست شو" برای مردم رور شده است و سرمداران مرتجع جمهوری اسلامی قادر نیستند با بساط خبیثه شب‌بازی بر بحران ژرف موجود در جامعه سرپوش بگذارند و اذهان توده‌ها را از دشمن داخلی و اصلی خود، یعنی رژیم "ولایت فقیه"، بسوی دشمن منفور و شکست خورده\* دیروزی یعنی رژیم شاه منحرف سازند.

### پخش و تکثیر "نامه مردم"

در داخل کشور

وظیفه هر عضو

و هوادار حزب است!

## توپ‌های ج.ا. ...

پشتیبان صلح در جهان و از جمله در منطقه ماست و بویژه برای خاموش شدن جنگ بین ایران و عراق - که آن راه زبان هر دو خلق و به نفع امپریالیسم و ارتجاع می‌داند - تلاش می‌ورزد. بهمین دلیل سران ج.ا. بهر وسیله‌ای دست می‌یازند تا بلکه بتوانند این نقش را تضعیف سازند. هدف آنها عملی ساختن شعارهای ماجراجویانه خود بهر قیمتی است و بدیهی است که در این راه از همخوان شدن مواضع خود باهاثرترین انحصارهای نظامی امپریالیستی و سیاست واشنگتن هیچگونه پامه‌ای از خود نشان نمی‌دهند. آنها درست همان اتهامهایی را متوجه اتحاد شوروی می‌سازند که ساخته و پرداخته ذهن بیمار اندیشه پردازان بورژوازی و امپریالیستی است. تلاش شوروی برای حضور در آبهای گرم خلیج فارس یکی از این اتهامهاست که سالهاست بر زبان دولتمردان مرتجع ج.ا. نیز جاری است.

سران رژیم ج.ا. حضور ناوگانهای بزرگ جنگی، ناوهای هواپیمابر و نیروهای جهنمی ایالات متحده در اقیانوس هند و خلیج فارس را به عین می‌بینند، اما برای جلب نظر هر چه بیشتر واشنگتن و دریافت سلاح دم بر نمی‌آورند و با گام‌هایی برای خالی نبودن عریضه و گرفتن پز "ضد امپریالیستی" به مصداق نه سیخ بسوزد و نه کباب، به گفتن سخنان دوپهلوی بسنده می‌کنند که اتفاقاً همانها موجب

رسوایی هر چه بیشترشان می‌شود. حتی گسترش پایگاههای آمریکایی بویژه در ترکیه و پاکستان را ندیده می‌گیرند و بقول معروف "زیر سیلی رد می‌کنند". اما امروز به بهانه عبور احتمالی چند کشتی تجاری اتحاد شوروی در آبراهه خلیج فارس - که در چارچوب مناسبات بین کشورها و قوانین بین المللی امری کاملاً بدیهی و پذیرفته شده است، سر و صدای راه می‌اندازند. در آبراهه خلیج فارس کشتی‌های تجارتی زیادی با پرچمهای گوناگون داشا در حال عبور و مرورند و بسیاری از آنها، زیر پوششهای گوناگون، حامل اسلحه برای ج.ا. هستند. چرا سران رژیم علیه آنها سخنی بر زبان نمی‌آورند؟

رژیم ج.ا. می‌خواهد نقش ژاندارم در منطقه خلیج فارس را ایفا کند و به بهانه اینکه مبدا کشتی‌های در حال عبور از خلیج حامل کالا و سلاح برای عراق باشند آنها را بمباران می‌کند و یا مورد بازرسی شدید قرار می‌دهد. عراق نیز متقابلاً به بمباران کشتی‌های می‌پردازد. ناامنی خلیج فارس در این چارچوب قابل بررسی است.

خامنه‌ای تهدید می‌کند که نفت تنها منبع در آمد کویت است و چون این کشور "جز خلیج فارس راه دیگری برای صدور نفت خود ندارد" بنابراین باید به خواستهای ج.ا. تن در دهد، و گرنه کار به "برخورد" می‌انجامد. ما بر آنیم که چنین موضع گیری‌هایی موجب تشدید حضور ناوگانهای ایالات متحده به بهانه "دفاع از منافع حیاتی" و هر چه جدی‌تر شدن خطر گسترش جنگ خواهد شد.

## نابود باد جنگ، زنده باد صلح!

ارزیابی کرد.

وی ضمن برشمردن خطراتی که امپریالیسم برای صلح و امنیت جهان پدید آورده است، یادآور شد: "مسئله صلح برای ما نیز از اهمیت حیاتی برخوردار است. در شش سال و نیم گذشته جوانان کشور ما قربانی جنگی خانمانسوز و بهبوده شده‌اند. سردمداران مرتجع جمهوری اسلامی تاکنون همه ابتکارات بین المللی ارائه شده، از جمله از سوی اتحاد شوروی و سازمان ملل متحد را برای پایان بخشیدن به این جنگ رد کرده‌اند. این سیاست غیر مسئولانه جمهوری اسلامی در زمینه جنگ - ادامه منطقی سیاست ترور و اختناق رژیم در داخل کشور است."

نماینده سازمان جوانان افزود "میلیونها تن از مردم میهن ما، بویژه جوانان، بیکار هستند. هر ساله نزدیک به نیم میلیون جوان، از آموزش عالی محروم می‌مانند، روانه جبهه‌های جنگ می‌شوند و یا به صف درازبیکاران می‌پیوندند."

در پایان نشستی در کنار کنگره "کسومول" که در آن فرزون بر "سازمان جوانان توده ایران" و "سازمان جوانان پیشگام ایران" نمایندگان جوانان انقلابی کشورهای عربستان سعودی، ترکیه، عراق، تونس، اردن، سوریه، فلسطین و اسرائیل شرکت داشتند، بیانیه‌ای صادر شد. در این بیانیه قطع فوری جنگ و آزادی ژدانیان سیاسی ایران خواسته شده است.

## گامی در راستای تحکیم ...

فلسطین"، "جبهه خلق برای آزادی فلسطین"، "حزب کمونیست فلسطین"، "جبهه آزادی فلسطین" و "جبهه آزادی عرب" - در آن شرکت دارند. یاس عرفات باتفاق آرا به سمت صدر "سازمان آزادی بخش فلسطین" برگزیده شد.

بالاترین نهاد قانونگذاری فلسطین سازمانهای "صاعقه"، "جبهه خلق برای آزادی فلسطین - ستاد عمومی" و "جبهه مبارزه خلق فلسطین" را فراخواند تا به همکاری خود در "سازمان آزادی بخش فلسطین" ادامه دهند.

شرکت کنندگان در "اجلاس الجزیره" با تصویب اسناد مهمی چون "اعلامیه سیاسی"، "بیانیه پایانی" و قطعنامه‌های ده کمیسیون به تحلیل جامع جنبش آزادی بخش فلسطین و وظائف آن پرداختند. در این اسناد ستگیری "سازمان آزادی بخش فلسطین" در مبارزات آتی تعیین شده است. بر پایه رهنمودهای داده شده خلق فلسطین بیکار عادلانه، خویش را در راه دستیابی به حقوق خود، از جمله حق تعیین سرنوشت خویش، ایجاد کشوری مستقل و بازگشت فلسطینی‌ها به میهن، با دست‌یازی به شیوه‌های سیاسی و نظامی و از راه مبارزه توده‌ای استوارتر و متحدتر از پیش ادامه خواهد داد.

"سازمان آزادی بخش فلسطین" پشتیبانی خود را از فراخواندن کنفرانسی بین‌المللی درباره "خاور نزدیک، به سرپرستی "سازمان ملل متحد" و با شرکت پنج عضو دائمی "شورای امنیت" ابراز داشت. "شورای ملی فلسطین" هیئت اجرایی جدید را موظف ساخت تا شرایط شرکت برابر حقوق "سازمان آزادی بخش فلسطین" را، بعنوان نماینده راستین خلق فلسطین، در چنین کنفرانسی فراهم آورد.

در "اعلامیه سیاسی" بر لزوم تحکیم مناسبات "سازمان آزادی بخش فلسطین" با کشورهای سوسیالیستی تأکید شده است. نمایندگان "شورای ملی فلسطین" باتفاق آرا رهنمودهای جدیدی را درباره چگونگی مناسبات با سوریه، اردن و مصر به تصویب رسانیدند.

پیدااست، که تجدید و تحکیم وحدت صفوف "سازمان آزادی بخش فلسطین" تنها می‌تواند خشنودی عمیق و شادمانی همه نیروهای مترقی و انقلابی جهان، از جمله ایران، را برانگیزد.

اما رسانه‌های گروهی و سرکردگان جمهوری اسلامی، چه در آستانه برگزاری "اجلاس الجزیره" و چه در جریان تشکیل آن، کارزار اوپاشانه‌ای را علیه "سازمان آزادی بخش فلسطین" بر راه انداختند. آنها کوشیدند تا با طرح شعارهای مزورانه و نفاق افکنانه و ترهات باصطلاح "اسلامی" و حتی تبلیغات ضد شوروی و کمونیسم ستیزانه در راه وحدت جنبش آزادی بخش فلسطین سنگ بپا کنند.

بدینسان، سردمداران رژیم خمینی، در ادامه "منطقی" سیاست خائنانه "ایران کیت"، بار دیگر با آمریکا و صهیونیسم اسرائیل همسگر و یکرهان شدند.



## کنگره حزب کمونیست خلق های اسپانیا

\* وحدت کمونیست ها امری است مبهم

روز یکشنبه ۲۶ آوریل دومین کنگره \* حزب کمونیست خلق های اسپانیا با تصویب سندی بنام "برنامه سیاسی" به کار دور روزه خود در مادرید پایان داد. از حزب توده ایران نیز برای شرکت در این کنگره دعوت شده بود.

کمیته مرکزی منتخب کنگره در نخستین نشست خود رفیق خوان راموس را به سمت دبیر کل و ایگناسیو کالگو، دبیر کل پیشین، را به سمت صدر حزب برگزید.

ایگناسیو کالگو در گزارش کمیته مرکزی به کنگره یادآور شد که تأسیس "حزب کمونیست خلق های اسپانیا" در سه سال پیش واکنشی بود در برابر بحرانی که با اصطلاح "ارو کمونیسم" در جنبش کمونیستی اسپانیا پدید آورد.

بگفته "او" "وحدت همه\* کمونیست ها در یک حزب امری است لازم، ممکن و میرم، ولی برای دستیابی به آن باید روند روشنگری ایدئولوژیک را گذراند."

کالگو مبارزه در راه صلح و پیشبرد منافع اقتصادی - اجتماعی زحمتکشان و علیه بیکاری و تقویت "حزب کمونیست خلق های اسپانیا" را "وظائف اصلی حزب" خواند. او گفت: "سیاست کنونی دولت حزب سوسیالیست کارگری اسپانیا نه بسود منافع کارگران سوسیالیست است و نه همخوان با سنن این حزب."

کالگو ائتلاف "چپ های متحد" را که "حزب کمونیست خلق های اسپانیا" در آن عضویت دارد، "نخستین گام" در راه تشکیل "جبهه چپ" خواند.

بگفته "او" "حزب کمونیست خلق های اسپانیا" "گفتگوهای دوجانبه با دیگر نیروهای کمونیستی را آغاز کرده است. گرچه در این زمینه شاهد پیشرفت هایی بوده ایم، لیکن بحث درباره مسائل پایه ای ایدئولوژیک هنوز به حد کافی نرسیده است."

کنگره دوم "حزب کمونیست خلق های اسپانیا" در قطعنامه ای همه\* کمونیست های اسپانیا را به "وحدت در یک حزب واحد و بزرگ" فراخواند. "حزبی ملی و طبقاتی، حزبی پیشاهنگ و توده ای، حزبی مستقل و انترناسیونالیست و هم پیوند با جنبش کمونیستی جهانی، حزبی که ایدئولوژی و سیاست آن بر پایه اصول مارکسیسم - لنینیسم استوار است، حزبی لنینی که وارث شایسته درخشانترین سنن کمونیست های اسپانیا باشد."

"حزب کمونیست خلق های اسپانیا" پیشنهاد می کند که برای تدوین برنامه چنین حزبی کمیسیونی بنام "کمیسیون ملی وحدت" تشکیل

## شوکت نماینده حزب توده ایران در کنگره نوزدهم حزب کمونیست نروژ

روزهای ۲۶-۲۴ آوریل کنگره نوزدهم حزب کمونیست نروژ در اسلو برگزار شد. در کنار فرستادگان احزاب برادر کشورهای سوسیالیستی اروپا، نمایندگان حزب کمونیست ویتنام و حزب توده ایران هم در این کنگره شرکت داشتند. (به متن پیام کمیته مرکزی حزب در شماره گذشته رجوع شود).

هنس کلون، صدر حزب، در گزارش کمیته مرکزی به کنگره نوزدهم گفت:

"نخستین وظیفه حزب ما باید مبارزه فعال و هدفمند برای صلح باشد."  
وی افزود:

"حزب کمونیست نروژ هر چه بیشتر خواهد کوشید تا جبهه صلح در نروژ تقویت شود، وحدت عمل طبقه کارگر در این زمینه تحقق یابد و پارلمان برای جنبش صلح گوش شنوا داشته باشد."

## به اشغال قبرس پایان دهید!

نزدیک به سیزده سال از کودتای "خونتای" یونان می گذرد، که یکی از پی آمدهای منحوس آن تهاجم ترکیه به قبرس و اشغال ۲۷ درصد از خاک این کشور مستقل بود. با این تجاوز یکی از نقشه های دسیسه آمیز امپریالیست ها، یعنی تجزیه "جزیره آفتاب" و تبدیل آن به ناو "هواپیما بر غرق نشدنی" "ناتو" در مدیترانه شرقی به مرحله اجرا گذاشته شد.

در این میان، امپریالیسم ایالات متحده آمریکا در شمال قبرس به ایجاد پایگاهها و تأسیسات نظامی گوناگون در "لک فوندکو"، کوه های "پنتاداک تیلوس" و سواحل شالی "کیرنیا" دست زده است. یادآور می شویم که آمریکا سالهاست از پایگاههای با اصطلاح "مستقل" بریتانیا در قبرس نیز برای پیشبرد مقاصد نظامی گرانه\* خویش بهره می جوید. جالب آنکه ایالات متحده و سه کشور دیگر "ناتو" در تجاوز ۱۹۸۲ خود به لبنان نیز از برخی تسهیلات برخوردار شدند که "کیپریانو"، رئیس جمهور قبرس، در بندر و فرودگاه "لارناکا" در اختیار آنها قرار داد.

بدینسان، توطئه های ضد قبرسی امپریالیسم و عوامل آن در منطقه نه تنها به آوارگی وی بی خانمانی هزاران قبرسی و اشغال بخش بزرگی از این کشور

شود.

کمیته مرکزی حزب توده ایران نیز در پیام خود به کنگره دوم "حزب کمونیست خلق های اسپانیا" به "ضرورت وحدت همه\* کمونیست های اسپانیا" اشاره می کند و آنرا "بسود سوسیالیسم و صلح" می خواند.

کنگره\* کمونیست های نروژ چندین سند مهم، از جمله برنامه جدید حزب و "قطعنامه سیاسی"، را تصویب کرد.

بگفته رفیق کلون، برنامه جدید که جانشین برنامه ۱۹۷۲ می شود، از یکسو وفاداری پیگیر حزب را به مارکسیسم - لنینیسم تصریح می کند و از سوی دیگر تغییرات پراهمیتی را که در سالهای اخیر در نروژ و در گستره بین المللی روی داده است، در نظر می گیرد.

در "قطعنامه سیاسی"، زیر عنوان "در راه سیاست نوسازی: خلع سلاح، امنیت و اتحاد" مواضع حزب در برابر مهم ترین مسائل داخلی و خارجی بیان می شود. در این سند، حزب کمونیست نروژ متعهد می گردد که "هم شایسته\* خویش را برای تحکیم صلح و همبستگی بین المللی و حل مسائل اقتصادی - اجتماعی نروژ ادا خواهد کرد.

کمونیست های نروژ در قطعنامه هائی دیگر خواهان پایان جنگ ایران و عراق و آزادی زندانیان توده ای شدند.

سخنرانی نماینده حزب و متن این قطعنامه ها بعداً در "نامه مردم" منعکس خواهد شد.

انجامیده است، بلکه خطری برای امنیت و صلح منطقه و جهان نیز بشمار می رود. با توجه به این واقعیت بود که چندی پیش اتحاد شوروی با طرح پیشنهادی زیر عنوان "درباره اصول حل مسئله قبرس و راههای رسیدن به آن" باردیگر به ابتکار مهم دیگری برای کاهش تنش های منطقه ای دست زد.

اتحاد جماهیر شوروی بر آنست که مسئله قبرس را می توان بر پایه اصول زیرین حل کرد:

۱ - جمهوری قبرس باید کشوری مستقل و واحد باشد.

۲ - این خود مردم قبرس، ترکها و یونانی ها، هستند که باید بدون هر گونه مداخله خارجی و از راههای مسالمت آمیز درباره ساختار حکومت قبرس تصمیم بگیرند و برای نمونه، در راه تأسیس یک حکومت فدرال کام بردارند.

۳ - نظامی زدائی قبرس، برچیدن پایگاههای نظامی و الغای قراردادهای نابرابر یکی از شرایط لازم استقرار استقلال و حاکمیت این کشور بشمار می رود.

۴ - مسئله قبرس باید در چارچوب سازمان ملل و بر پایه قطعنامه های آن فیصله یابد.

اتحاد شوروی در پایان پیشنهاد خود همه\* کشورهای جهان را فرا می خواند تا بر پایه اصول پیشگفته از هیچ کوششی برای حل پایدار و عادلانه مسئله قبرس فروگذار نکنند.

### کمک های مالی رسیده:

رفقای اومئو ۶۰۰ کرون

NAMEH  
MARDOM  
No. 153

P.B. 49034  
10028 Stockholm 49  
Sweden

5 Mai 1987

جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است